

وسنی

۴



■ انتشارات: نشر
ستاره ها
■ تعداد صفحه: ۲۰۳
■ سال نشر: ۱۳۹۹

وسنی، داستان زندگی سعید تشکری و اولین جلد از سه گانه زندگی او برای نوجوانان است. در این داستان با سعید آشنا می‌شویم. پسری که جانش به جان دوچرخه‌اش بند است و همه زندگی او در دور زدن با دوچرخه‌اش خلاصه می‌شود. اما خانه‌شان، محل همیشگی دعوای پدر و مادرش است. همین موضوع سعید را از خانه فراری می‌دهد و به خانه مادر بزرگ می‌کشاند. زنی که تصمیم گرفته است در راهپیمایی بزرگ زنان در سال ۵۶ شرکت کند. راهپیمایی که هر چند برای مادر بزرگ او است، اما زندگی سعید را هم به کلی تغییر می‌دهد و از او آدمی متفاوت می‌سازد. فردی که امروز می‌شناسیم.

بار باران

۵



■ انتشارات: کتاب
نیستان
■ تعداد صفحه: ۱۳۸
■ سال نشر: ۱۳۸۹

بار باران داستانی از زندگی گوهرشاد بیگم عروس تیموری است. او و شاهرخ، پس از اینکه تیمور از دنیا رفت، به سوی هرات سفر می‌کنند تا سرزمینی را که او برایشان به یادگار گذاشته است و تیمور نام دارد، پادشاهی کنند. تیمور که در راه چین و ماچین بود، مشغول فتح و جهانگشایی بود اما پنداری در سر داشت و آن این بود که مسلمانان بسیاری را کشته است و از همین رو، خدای مسلمانان با او قهر کرده است. تصمیمش این بود که کشتاری تازه از کفار ترتیب دهد و به این ترتیب، بازگشت خود را به سوی خداوند اعلام کند اما مرگش، فرصت را از او گرفت....

غریب قریب

۶



■ انتشارات: کتابستان
معرفت
■ تعداد صفحه: ۶۴۰
■ سال نشر: ۱۳۹۵

«غریب قریب» داستان ساخت و بازسازی بارگاه ملوکتی امام رضا(ع) در دوران های مختلف تاریخی است. تشکری در این دوازده بخش روایت هایی از ساخت این بارگاه در دوران های نوغانیان، سامانیان، غزنویان، سلجوقیان، خوارزمشاهیان، چنگیزی ها، ایلخانان، تیموریان، صفویان، افشاریان و قاجار ارائه کرده است.

تئاتری هم عضویت یافته بود، سال ۱۳۷۸ به عضویت کانون ملی منتقدان تئاتر درآمد و از سال ۱۳۸۰ نیز عضو کانون جهانی تئاتر ITCA شد.

یکی دیگر از وجوه شخصیتی این نویسنده و هنرمند را باید در توجهی دانست که در همراهی جوانان علاقه‌مند نشان می‌داد. وی از سال ۱۳۶۳ همزمان با کارهای هنری خود، تدریس در زمینه داستان نویسی و نمایشنامه‌نویسی را هم آغاز کرد. همان طور که پیش‌تر نیز اشاره شد، تشکری در این بین توجهی ویژه نیز به زادگاه خود داشت، آنچنان که طی سال‌ها با برپایی کارگاه‌ها و نشست‌های متعدد نقشی به‌سزایی نیز در تربیت داستان‌نویسان کشورمان، آن هم با نگاهی خاص به جوانان خراسانی داشت. از مصادیق آن می‌توان به برگزاری یکصد جلسه «عصرانه داستان‌نویسان رضوی» با همراهی انتشارات آستان قدس رضوی اشاره کرد. این جلسات در مراکز استان‌هایی همچون تهران، قم، اصفهان، بجنورد، یزد، سمنان و کرج برگزار می‌شدند.

کسب جوایز داخلی و بین‌المللی

تشکری طی چندین دهه فعالیت هنری و ادبی خود افزون بر خلق آثار داستانی و تألیف نمایشنامه‌های متعدد و از سویی حضور در ساخت فیلم و مجموعه‌های تلویزیونی به عنوان داور در روند برپایی رویدادهای فرهنگی مختلفی، از جمله جشنواره تئاتر فجر و جشنواره بین‌المللی امام رضا(ع) حضور داشت. در این بین نمی‌توان از نگارش نمایشنامه‌های رادیویی که به همت وی در اداره کل نمایش رادیو ساخته شدند نیز صرف‌نظر کرد.

تشکری بابت کارهای خود موفق به دریافت جوایز مختلفی نیز شد، کسب چندین دوره جایزه کتاب سال «رضوی»، کتاب سال «شهید غنی‌پور» و جوایز مختلف تئاتر و سینمایی هم از آن جمله‌اند. در کارنامه هنری این چهره فرهنگی کشورمان جوایز و تقدیرهایی از رویدادهای بین‌المللی مانند «یونسف» هم دیده می‌شود. این نویسنده، نمایشنامه‌نویس، فیلمنامه‌نویسی و کارگردان خراسانی نوزدهم بهمن ماه به دنبال خونریزی معده در بیمارستان رضوی مشهد، در سن ۵۸ سالگی با زندگی وداع گفت، پیکر وی در رواق حضرت زهرا(س)، در حرم مطهر رضوی به خاک سپرده شد.

تشکری طی چندین دهه فعالیت هنری و ادبی خود افزون بر خلق آثار داستانی و تألیف نمایشنامه‌های متعدد و از سویی حضور در ساخت فیلم و مجموعه‌های تلویزیونی به عنوان داور در روند برپایی رویدادهای فرهنگی مختلفی، از جمله جشنواره تئاتر فجر و جشنواره بین‌المللی امام رضا(ع) حضور داشت. در این بین نمی‌توان از نگارش نمایشنامه‌های رادیویی که به همت وی در اداره کل نمایش رادیو ساخته شدند نیز صرف‌نظر کرد



در زمینه ادبیات داستانی هم حضور موفقی از خود نشان داد.

اثرگذار و حامی جوانان

با آنکه تشکری نویسنده و هنرمندی به دور از حاشیه و جنجال‌هایی بود که برخی به هر طریقی به آن متوسل می‌شوند تا نامشان بر سر زبان‌ها بیفتد اغلب از وی به عنوان چهره‌ای اثرگذار در دهه‌های اخیر یاد می‌کنند؛ تشکری در جریان تئاتر موسوم به «پچه‌های مسجد» هم نقش مهمی ایفا کرد و از همان ابتدا به عنوان نمایشنامه‌نویس و کارگردان در این رویداد هنری شرکت کرد. از سوی دیگر او طی سال‌ها فعالیت هنری، در مجامع داخلی و خارجی

فصلی به نام «سعید تشکری»

یادداشتی از علی اصغر عزتی پاک

سعید تشکری نویسنده‌ای بزرگ، ایران‌دوست، انسان‌دوست و مسلمانی اهل فکر و باورمند بود. من در فقدان این نویسنده بسیار درد می‌کشم و می‌گیرم. تشکری، گذشته از مهرش که در دل پرورده‌ام، برای من نه یک شخص، که یک جریان قدرتمند ادبی هویت‌گرا بود که ایران و ایرانیان برایش مسأله بودند. آگاهانه و با تکیه بر پشتوانه‌ای تئوریک، پای در این راه گذاشته بود و تمام هم خود را صرف گسترش و ترویج آن می‌کرد. اول که خود شب و روز در کار خواندن و نوشتن بود، و بعد در محافل آموزشی حاضر می‌شد تا آنچه را می‌دانست، که بسیار بود، به دوست‌داران ایران و فرهنگ فرهمندش بیاموزد. آثارش مملو از تکریم و بزرگداشت مردم کشورش است و همه راوی حماسه‌های آنان. سعید تشکری با اصرار بر توجه به سویه‌های حماسی زندگی ایرانیان در یک سده اخیر و بازتابیدن آن در آثارش و در سخنرانی‌هایش، اندک اندک تبدیل به یک رهبر فکری نیز شد و با تکیه بر همین پشتوانه بود که جشنواره داستان حماسی در مشهد راه افتاد و مکتب خراسان هویت خودش را باز یافت (سیاسم را نثار حوزه هنری می‌کنم که حمایت کرد از این فکر). تعلق خاطر عمیق تشکری به جنبش‌های هویت‌گرای مردم کشورش، به خصوص خراسانیان، او را به یکی از سر حلقه‌های این گرایش ادبی تبدیل کرد که برای هر واقعه ۱۰۰ سال اخیر یک

نویسنده می‌خواست، از همین رو بود که فراخوان داد و نویسنده‌های بسیاری را حول این گفتمان گرد آورد. این چنین بود که اگر چه خود، علی‌رغم پرکاری غبطه‌برانگیزش، نتوانست به تمام ماجراهای پرشکوه و افتخارآمیز ایرانیان بپردازد، اما مجربانه درست کرد که آن همه را با نگاهی حماسی می‌نویسند و ایستادگی مان را می‌ستایند. سعید تشکری به زعم من و با تعریفی که دارم، از استقلال فکری و رفتاری، جزو مستقل‌ترین نویسنده‌های این مرز و بوم بود که با بادهای نمی‌رفت. اندیشه‌ای تبارمند داشت و خود را در ادامه یک گونه از هستی‌شناسی می‌دید که باید در تثبیت و گسترش‌اش بکوشد. چه سخت می‌کوشید، با جسمی بیمار و رخی که این روزها رنگش به زردی گراییده بود. رفتن تشکری، خسارت بزرگی است برای جریان نویسندگان هویت‌گرای ایران. من به بزرگی و مصیبت‌بار بودن این خسارت تأکید دارم. اما او از این پس بیشتر خواننده خواهد شد و بیشتر از پیش ارزش آثارش آشکار خواهد گردید. من بی‌هیچ تعارف و ظاهر سازی‌ای، خود را جزو یثیمان سعید تشکری می‌دانم؛ نویسنده‌ای که می‌شد بهش تکیه کرد و به دور از هر بازی و اطواری، فقط به تولید فکر و فرهنگ و هنر اندیشید. امیدوارم لیاقت میراث‌داری‌اش را داشته باشم.